

ارتباط مؤلفه‌های ساختار مالکیت با سیاست‌های جسورانه مالیاتی و نقش تعدیل‌گر عملکرد مالی شرکت‌ها

عبدالرضا اسعدی^۱

استادیار مدیریت مالی، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۶

چکیده

اقدامات مدیران شرکت‌ها برای اعمال سیاست‌های جسورانه مالیاتی در حال گسترش است و شرکت‌ها تا زمانی که هزینه‌های این اقدامات بر منافع آن فزونی نیافته به اقدامات خود ادامه می‌دهند. این پژوهش، ارتباط مؤلفه‌های ساختار مالکیت و سیاست‌های جسورانه مالیاتی را با توجه به وضعیت عملکردی شرکت‌ها بررسی می‌کند. از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی است و از نظر روش اجرا، پژوهشی توصیفی-همبستگی از نوع پس‌رویدادی قلمداد می‌گردد. نمونه آماری مورد بررسی شامل ۱۷۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. فرضیه‌های اول تا سوم به بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های ساختار مالکیت و سیاست‌های جسورانه مالیاتی و فرضیه چهارم، نقش تعدیل‌گر عملکرد شرکت‌ها را آزمون می‌کند. یافته‌ها بیانگر وجود رابطه منفی معنادار بین مالکیت دولتی و نهادی با سیاست‌های جسورانه مالیاتی است؛ درحالی‌که رابطه معناداری بین مالکیت خصوصی با سیاست‌های جسورانه مالیاتی مشاهده نشد. همچنین رابطه بین ساختار مالکیت و سیاست‌های مالیاتی در شرکت‌های با عملکرد ضعیف و قوی تفاوت معناداری دارد. نتایج مبین آن است که با افزایش میزان مالکیت نهادی و دولتی، مدیران کمتر به اقدامات کاهنده مالیات دست می‌زنند، ولی افزایش مالکیت خصوصی در شرکت‌ها اقدامات مدیران در زمینه مالیات را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. از سوی دیگر اثر ساختار مالکیت بر سیاست‌های مالیاتی در شرکت‌های قوی بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: ساختار مالکیت، سیاست‌های جسورانه مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی، عملکرد شرکت‌ها.
طبقه‌بندی JEL: G30, G32, L25, H25, H26.

مقدمه

با پیدایش شرکت‌های بزرگ و مطرح شدن جدایی مالکیت از مدیریت توجه همگان به مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت در شرکت‌ها معطوف شد. از آنجا که چگونگی اداره یک شرکت به ساختار مالکیت و تصمیمات سهامداران و مالکین آن مربوط می‌شود، تصمیم در مورد فعالیت‌های عملیاتی و مالی نیز متأثر از سازوکارهای اداره شرکت خواهد بود و در این رابطه تصمیمات مالیاتی از جمله تصمیمات مالی با اهمیتی است که مدیران اتخاذ می‌کنند. ساختار مالکیت به عنوان سازوکارهای داخلی اصول راهبری شرکت‌ها به وضعیتی اشاره دارد که نسبتی از سهام شرکت در اختیار عده‌ای از مالکان و سهامداران حقیقی یا حقوقی قرار می‌گیرد.

ساختار مالکیت شامل ترکیب، تمرکز و نوع مالکیت مالکانی است که بر اساس میزان مالکیت خود قادرند بر تصمیمات شرکت اثرگذار باشند. بر این اساس مالکیت دولتی، نهادی و خصوصی را می‌توان از انواع مؤلفه‌های ساختار مالکیت دانست که هر یک نشان دهنده نسبت بیشتری از سهام شرکت است که در اختیار دولت، نهادهایی مانند بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و یا سهامداران حقیقی قرار می‌گیرد.

پژوهش‌های اندکی که پیرامون رابطه ساختار مالکیت و مالیات پرداختی شرکت‌ها انجام شده است، تأکید می‌کند که بسیاری از مقامات مالیاتی به اهمیت نقش ساختار مالکیت شرکت‌ها در تصمیمات مالیاتی اذعان دارند. از آنجا که پرداخت مالیات موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها و همچنین کاهش سود سهامداران می‌شود، مدیران تمایل به اجتناب از پرداخت مالیات و یا به تعویق انداختن آن را از خود نشان می‌دهند. به طوری که طبق نظر مینیک و نوگا (Minnick & Noga, 2010)، مدیریت مالیات توانایی مدیر در پرداخت مالیات کمتر در بلندمدت تعریف شده است. بدین جهت بسیاری از شرکت‌ها به میزان زیادی فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را با هدف کاهش درآمد مشمول مالیات به کار می‌برند (نور، فضیله و ماستوکی (Noor, Fadzillah & Mastuki, 2010). طبیعی است که این اقدامات مدیران متأثر از نوع مالکیت شرکت‌ها می‌تواند به شیوه‌های متفاوتی صورت گیرد.

اقدامات مدیران در جهت کاهش پرداخت مالیات که می‌تواند از طریق مکانیزم‌های مدیریت سود انجام شود، سبب کاهش مالیات پرداختی و به تبع آن درآمدهای مالیاتی دولت به عنوان یکی

از مهم‌ترین منابع درآمدی جامعه می‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته دولت‌ها می‌توانند به درآمدهای مالیاتی تکیه کنند و نیازهای مردم را مرتفع کنند. عدم پرداخت صحیح و به‌موقع مالیات توسط شرکت‌ها و به تبع آن عدم وصول کامل درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی‌شده توسط نظام مالیاتی، سیستم اقتصادی کشور را مختل و خدمت‌رسانی را کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر اقدامات مدیریتی انجام شده برای پرداخت مالیات کمتر از طریق فعالیت‌های جسورانه مالیاتی در بسیاری از نقاط جهان در حال گسترش است و شرکت‌ها سعی می‌کنند تا زمانی که هزینه‌های این اقدامات بر منافع حاصل از آن فزونی نیافته به اقدامات خود ادامه دهند. البته همانگونه که اشاره شد اثر ساختار مالکیتی شرکت‌ها در این زمینه قابل توجه خواهد بود.

با توجه به سیاست‌های کلان اقتصادی در کشور در زمینه کاستن از وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و توجه ویژه به درآمدهای مالیاتی و اهمیت پیشگیری از اقدامات فرار، اجتناب و تعویق پرداخت مالیات توسط مودیان حقیقی و حقوقی، انجام پژوهشی جهت شناخت عوامل مرتبط با اقدامات جسورانه مالیاتی شرکت‌ها ضروری بنظر می‌رسد. لذا پرسش اصلی این است که آیا نوع مالکیت شرکت‌ها می‌تواند بر سیاست‌های مالیاتی آنها تاثیرگذار باشد؟

در این راستا پژوهش حاضر به بررسی ارتباط مؤلفه‌های ساختار مالکیت شرکت‌ها با سیاست‌های جسورانه مالیاتی آنها می‌پردازد که تا کنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش عملکرد شرکت‌ها نیز به عنوان عاملی که می‌تواند رابطه بین ساختار مالکیت و سیاست‌های مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهد مورد توجه قرار گرفته است. طبیعی است که شرکت‌های با عملکرد مطلوب ممکن است سیاست‌های متفاوتی را در مقایسه با شرکت‌های ضعیف در زمینه مالیات دنبال کنند. پس از بیان مقدمه‌ای از موضوع، مساله پژوهش و پیشینه مطالعات انجام شده در مورد آن توضیح داده شده، سپس به بیان فرضیه‌ها، نمونه شرکت‌های مورد مطالعه، روش پژوهش و تعریف متغیرها پرداخته می‌شود. روش و مدل آزمون فرضیه‌ها و نتایج و یافته‌های پژوهش نیز در ادامه مورد بحث قرار گرفته و در پایان نتیجه‌گیری انجام شده بر اساس یافته‌ها ارائه شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

موضوع حاکمیت شرکتی از اوایل دهه ۱۹۹۰ در پاسخگویی به مشکلات ناشی از فقدان

اثربخشی هیئت مدیره شرکت های بزرگ دنیا مطرح شد. مبانی اولیه آن با تهیه گزارش های کادبری (Cadbury) در ۱۹۹۲ در انگلستان، گزارش دی (Dey) در کانادا و مقررات هیئت مدیره در جنرال موتور امریکا بیان گردید که بر موضوع راهبری شرکت ها و حقوق سهامداران تمرکز یافته است. بعد از تفکیک مدیریت از مالکیت و طرح تئوری نمایندگی و مباحث کنترل، ساختار مالکیت به عنوان سازوکاری از حاکمیت شرکتی برای حل این مشکل مورد توجه قرار گرفت (حساس یگانه (Hassase Yeganeh, 2006).

منظور از ساختار مالکیت، مشخص کردن بافت و ترکیب سهامداران یک شرکت و بعضاً مالکان عمده نهایی سهام آن شرکت است. صرف نظر از چارچوب قانونی، ساختار مالکیت شرکت ها نیز می تواند ایجاد و توسعه مدل حاکمیت شرکتی را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع ساختار مالکیت شرکت ها یکی از مهم ترین ساز و کارهای داخلی حاکمیت شرکتی است و سهامداران می توانند با توجه به میزان مالکیت خود بر کار مدیران نظارت و کنترل داشته و موجب کاهش هزینه ها و افزایش ارزش شرکت شوند (جنسن (Jensen, 1986).

بر اساس میزان سهام در اختیار سهامداران عمده شرکت می توان ساختار مالکیت را به اشکال مالکیت های دولتی، نهادی، خصوصی، مدیریتی و خانوادگی طبقه بندی کرد. شرکت هایی که اکثریت سهام آنها در اختیار سازمان های دولتی و شبه دولتی مانند بنیاد مستضعفان است، دارای مالکیت دولتی قلمداد می شوند. شرکت هایی که در آنها مؤسسات مالی مانند بانک ها، شرکت های بیمه و صندوق های بازنشستگی سهامداران عمده هستند، مالکیت نهادی دارند. مالکیت خصوصی مربوط به شرکت هایی است که اکثریت سهام آنها در اختیار اشخاص حقیقی و سایر انواع شرکت ها و مؤسسات حقوقی است. مالکیت مدیریتی نیز به نوع مالکیت سهام در اختیار مدیران و اعضای هیات مدیره شرکت ها مربوط است و در صورتی که اکثریت سهام یک شرکت در اختیار اعضای یک خانواده و فامیل باشند به مالکیت خانوادگی موسوم است.

ساختار مالکیت از طریق کنترل سهام شرکت می تواند بر تصمیمات و سیاست های مدیران شرکت اثرگذار باشد. هنگامی که نسبت بیشتری از سهام شرکت در اختیار دولت یا نهادها قرار می گیرد طبیعی است که مالک عمده سهام از طریق سازوکار راهبری می تواند تصمیمات خود را به اجرا درآورد. در این زمینه نوع مالکیت یک شرکت می تواند بسیاری از تصمیمات و اقدامات مدیران را تحت تأثیر قرار دهد. اگر چه پژوهش هایی که تا کنون در خصوص تأثیر نوع مالکیت بر

عملکرد شرکت‌ها صورت گرفته حاکی از اثرات متفاوت ساختار مالکیت بر مؤلفه‌های عملکردی شرکت‌هاست (رحیمیان، رضایی و میرعبداللهی (Rahimian, Rezaei, & Mirabdollahi, 2013). پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مالکیت نهادی در شرکت‌ها می‌تواند به بهبود عملکرد شرکت‌های هلدینگ و نیز شرکت‌های تحت کنترل آنها بیانجامد درحالی‌که مالکیت دولتی می‌تواند موجب کاهش عملکرد شرکت‌های هلدینگ و به تبع آن عملکرد شرکت‌های تحت مدیریت آنها منجر شود (اسعدی (Asadi, 2016).

مالیات‌ها عوامل برانگیزاننده‌ای در بسیاری از تصمیمات شرکت‌ها هستند. شواهد پژوهش‌های اخیر در نقاط مختلف دنیا نشان می‌دهد که اقدامات مدیریتی صورت گرفته برای کاهش مالیات شرکتی از طریق فعالیت‌های جسورانه مالیاتی در حال تبدیل شدن به یک ویژگی معمول و فزاینده در دورنمای شرکت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان است. گرچه وابستگی بین مکانیزم راهبری شرکتی و جسارت مالیاتی متضمن مطالعات بیشتر است، همچنان که سیاست‌گذاران مالیاتی باید با شناخت بهتری از این وابستگی برای توسعه راهکارهای اثربخش برای پرداختن به کمبودهای موجود در روش‌های مدیریت مالیات داخلی شرکت‌ها تلاش کنند. این کار باید به بهبود تلاش‌های دولت در کسب درآمد مالیاتی حاصل از مالیات شرکتی بیانجامد (آرمسترانگ، بلین و لارکر (Armestrang, Blien & Larker, 2010).

بنا بر نظر برخی از محققین سیاست‌های جسورانه مالیاتی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شوند که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و اقلام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دست‌کاری سود به‌منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نماید (لنیس و ریچاردسون (Lanis & Richardson, 2011). تقسیم‌بندی مالیات‌ها به مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، عمده‌ترین نوع طبقه‌بندی مالیات در آمارهای دولتی در سطح بین‌المللی است. در ساختار بودجه کشور ایران نیز درآمدهای مالیاتی در نخستین طبقه‌بندی به دو گروه مذکور تقسیم می‌شوند (زنجان‌ی و دهقانی (Zanjani & Dehghani, 2007). از آنجا که هزینه‌های مالیاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت، موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها می‌شود همواره مورد توجه مدیران و سهامداران بوده است. به این دلیل مدیران برخی شرکت‌ها برای دوری جستن از هزینه‌های آن اقدام به فعالیت‌های جسورانه مالیاتی می‌کنند.

مدیران شرکت‌هایی که با مالکیت دولتی اداره می‌شوند بدلیل وابستگی خود به دولت و

انگیزه‌های کمتر تجاری در شرکت انتظار می‌رود تمایل کمتری به اقدامات جسورانه مالیاتی با هدف کاهش یا به تأخیر انداختن مالیات از خود نشان دهند. در واقع مالک عمده این دسته از شرکت‌ها به دلیل نبود انگیزه دریافت سود بیشتر تمایلی به مدیریت سود و مالیات از خود نشان نمی‌دهد. در حالی که در شرکت‌های با مالکیت نهادی بدلیل انگیزه‌های کسب سود بیشتر احتمال بروز رفتارهای جسورانه مالیاتی از سوی مدیران افزایش می‌یابد.

بنظر می‌رسد بیشترین اقدامات مدیران شرکت‌ها در خصوص مدیریت مالیات و بروز رفتارهای جسورانه مالیاتی با هدف کاستن از هزینه‌های مالیات و افزایش سود سهامداران در شرکت‌هایی روی دهد که از مالکیت غیرنهادی و خصوصی متشکل از سهامداران حقیقی برخوردارند. در این شرکت‌ها سهامداران و مدیران انگیزه لازم جهت فرار، اجتناب و بتعویق انداختن پرداخت مالیات‌ها را با هدف کسب سود و منفعت بیشتر دارند.

بنا بر نظر برخی از محققین سیاست‌های جسورانه مالیاتی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شوند که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و اقلام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دست‌کاری سود به‌منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نماید (Lanis & Richardson, 2011).

کاهش مالیات پرداختی توسط شرکت‌ها از طریق فعالیت جسورانه و دست‌کاری در سود در بسیاری از کشورها در حال افزایش است. با این حال اتخاذ این سیاست‌ها علاوه بر فواید دارای هزینه‌هایی نیز می‌باشد که برای سهامداران و مدیران و به‌طور کلی جامعه با اهمیت است.

دسای و دارماپالا (Desai & Dharmapala, 2006) معتقدند که با توجه به تعامل بین منافع و هزینه‌های اقدامات جسورانه مالیاتی، این احتمال که مدیران افزایش سود شرکت را از طریق سیاست‌های جسورانه مالیاتی دنبال نمایند وجود دارد. در واقع، افزایش سود بالقوه که با جسارت مالیاتی همراه است گرچه به نفع مدیران است ولی هزینه‌های زیادی را برای سهامداران و همچنین جامعه به همراه خواهد داشت.

محققین دیگری معتقدند که قانون مالیات‌ها می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را با ارائه امتیازات یا برقراری مجازات تحت تأثیر قرار دهد. علاوه ساختار اصول راهبری شرکت‌ها تحت تأثیر اینکه شرکت چگونه مالیات را مدیریت می‌کند قرار دارد. همچنین سیستم مالیاتی می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را در دوره پرداخت سود سهام تحت تأثیر قرار دهد (فریز و همکاران Frieze, Link & Mayer, 2006).

دیرینگ و همکاران (Dyreg, Hanlon & Maydew, 2008) طی پژوهشی اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را در بلندمدت مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها در پژوهش خود اجتناب مالیاتی را توانایی شرکت در پرداخت کمتر مالیات در بلندمدت تعریف کردند و این معیار این اندازه‌گیری را نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت نامیدند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که نرخ‌های سالانه مقداری پایداری را در طول زمان دارد، ولی این پایداری نامتقارن است. نرخ مؤثر مالیاتی سالانه پایین‌تر نسبت به نرخ مؤثر مالیاتی سالانه بالاتر پایداری بیشتری دارد.

نمازی و کرمانی (Namazi & Kermani, 2008) در پژوهش خود تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. بازه زمانی مورد مطالعه طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ و تعداد نمونه ۶۶ شرکت بوده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که رابطه‌ای معنادار و منفی بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت و رابطه معنادار و مثبت بین مالکیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود دارد و مالکیت مدیریتی به صورت معنادار و منفی بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. در مورد مالکیت خارجی اطلاعاتی که بیانگر مالکیت سرمایه‌گذاران خارجی شرکت‌های نمونه آماری باشد مشاهده نشد و در مالکیت خصوصی نیز بهتر است مالکیت عمده در اختیار سرمایه‌گذاران شرکتی باشد. به‌طور کلی بین ساختار مالکیت شرکت‌ها و عملکرد آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

باباجانی و عبدی (Babajani & Abdi, 2010) در پژوهشی به بررسی رابطه اصول راهبری شرکت‌ها و سود مشمول مالیات شرکت‌ها پرداختند. در این پژوهش رابطه بین اصول راهبری شرکت‌ها و سود مشمول مالیات ارزیابی شده است. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم اصول راهبری شرکت‌ها شامل درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره، نقش ترکیبی مدیرعامل و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفته است. نتایج پژوهش گواه عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیارهای اصول راهبری شرکت‌ها را دارا نیستند، بوده است. این در حالی است که در هر دو گروه درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات قطعی و ابرازی معنادار بود.

چن و همکاران (Chen, Chen, Cheng & Shevlin, 2010) در پژوهشی با عنوان آیا شرکت‌های سهامی نسبت به شرکت‌های غیر سهامی از اقدام‌های متهورانه مالیاتی بیشتری

برخوردارند؟ دریافتند که مالکیت خانوادگی می‌تواند خط‌مشی مالیاتی شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی کمتر از شرکت‌های که دارای مالکیت خانوادگی نیستند سیاست جسورانه پیرامون مالیات اتخاذ می‌کنند. این نتایج نشان می‌داد که مالکان خانوادگی تمایل دارند جهت جلوگیری از کاهش ارزش سهام شرکت که از نگرانی سهامداران اقلیت پیرامون ریسک ناشی از فعالیت‌های مالیاتی نشأت می‌گیرد، از مدیریت مالیات اجتناب نمایند.

مینیک و نوگا (Minnick & Noga, 2010) در مطالعه‌ای اثرات ویژگی‌های حاکمیت شرکتی را بر مدیریت مالیات جستجو نمودند. آن‌ها عنوان کردند که طرح‌های پاداش به صورت محرکی برای مدیران است که در جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و مالیات‌گامی می‌تواند مفید واقع شود. مدیریت مالیات سهامداران را متفع می‌سازد که به طور مثبت با افزایش بازده عایدی سهامداران در ارتباط است.

خورانا و ویلیام (Khurana & William, 2012) عنوان کردند شرکت‌هایی که از سطوح بالای مالکیت نهادی برخوردارند کمتر استراتژی جسورانه مالیاتی را به کار می‌برند؛ زیرا نگران عواقب اجرای این استراتژی‌ها در آینده هستند. پیداست زمانی که اخباری از مشارکت در سیاست‌های جسورانه مالیاتی منتشر شود، قیمت سهام شرکت‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اگرچه این واکنش در شرکت‌های بزرگ نسبت به واکنش‌های قیمتی به دیگر اخبار کمتر است.

اسعدی، تهرانی و خستو (Asadi, Tehrani & Khastoo, 2013) در پژوهش خود به بررسی تأثیر ساختار هیات مدیره بر سیاست‌های جسورانه مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه آماری پژوهش آنها شامل ۹۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آنالیز رگرسیون خطی لجستیک استفاده کرده‌اند. برای محاسبه متغیر وابسته سیاست جسورانه مالیاتی از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده شده است و علاوه بر متغیرهای مستقل و وابسته از متغیرهای کنترلی همچون نسبت اهرمی و نسبت بازده دارایی‌ها و مالکیت دولتی نیز استفاده شده است. نتایج نشان داد که رابطه‌ای منفی و معنادار بین مالکیت دولتی با سیاست‌های جسورانه مالیاتی وجود دارد.

رسائیان و اکبری (Resaian & Akbari, 2013) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین فرار مالیاتی، شفافیت و ارزش در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه

شامل ۸۲ شرکت فعال پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ بود. در این پژوهش از مدل‌های رگرسیون داده‌های ترکیبی برای بررسی رابطه فوق استفاده شده است. نتایج حاکی از آن بود که فرار مالیاتی ارزش شرکت را به خصوص برای شرکت‌های شفاف‌تر افزایش می‌دهد.

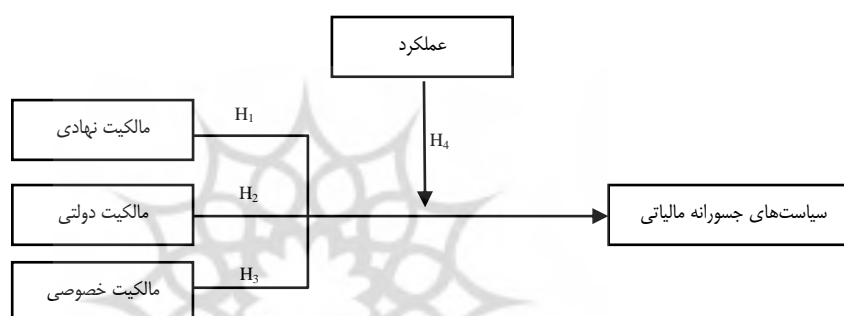
مارتینز و رامالهو (Martinez & Ramalho, 2014) پژوهشی را در مورد به کارگیری سیاست‌های جسورانه مالیاتی بین شرکت‌های با مالکیت خانوادگی و غیر خانوادگی در مورد شرکت‌های بورس اوراق بهادار برزیل طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ انجام دادند. آن‌ها در این پژوهش از دو متغیر نرخ مؤثر مالیاتی که نسبت مالیات پرداختی به سود مشمول مالیات است و تفاوت مالیات دفتری که تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات است استفاده کردند. نتایج آنها نشان داد که در شرکت‌های خانوادگی تفاوت مالیات دفتری بیشتر و نرخ مؤثر مالیاتی در این شرکت‌ها کمتر از شرکت‌های غیر خانوادگی است. این بدان معناست که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی بیش از سایر شرکت‌ها به رفتارهای جسورانه مالیاتی اقدام می‌کنند.

آقایی، انواری رستمی، ساری و سلمانی (Aghayi, Anvari rostami, Sari & Salmani, 2015) طی پژوهش خود به بررسی ارتباط میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی و طرح‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها پرداختند و در این مطالعه از مؤلفه‌هایی چون اندازه هیات مدیره، تعداد اعضای غیر موظف، نقش دوگانه مدیرعامل و تخصص اعضای هیات مدیره استفاده کرده‌اند. پژوهش آنها نشان داد که شرکت‌هایی که اعضای هیات مدیره کمتری دارند تمایل بیشتر به طرح‌ریزی مالیاتی نشان می‌دهند. همچنین با افزایش اعضای غیر موظف و عضویت مدیرعامل در هیات مدیره طرح‌ریزی مالیاتی افزایش می‌یابد اما تخصص اعضای هیات مدیره بر طرح‌ریزی مالیاتی اثر روشنی ندارد.

اسعدی (Asadi, 2016) ارتباط میان مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی را با عملکرد شرکت‌های هلدینگ و تابعه آنها مورد بررسی قرار داد. با استفاده از داده‌های پانلی مربوط به ۲۷ شرکت هلدینگ و ۸۹ شرکت تابعه آنها برای سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ مدل رگرسیون چندگانه جهت آزمون فرضیه‌ها به کار گرفت و نتایج پژوهش نشان داد که ترکیب هیات مدیره و ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های هلدینگ اثر معناداری دارد. نتایج همچنین بیانگر آن بود که عملکرد شرکت‌های هلدینگ می‌تواند بطور معناداری عملکرد شرکت‌های تابعه را تحت تأثیر خود قرار

دهد.

پیرک (Pierck, 2016) در پژوهش خود بررسی کرد که آیا شرکت‌های خصوصی نسبت به شرکت‌های عمومی پذیرفته شده در بورس آلمان بیشتر به اعمال سیاست‌های جسورانه مالیاتی می‌پردازند. برای این بررسی از داده‌های مربوط به ۳۲۹۹ مشاهده (سال-شرکت) طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ استفاده کرد که ۲۲۱۹ مشاهده مربوط به شرکت‌های خصوصی و ۱۰۸۰ مشاهده آن مربوط به شرکت‌های عمومی بود. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت‌های عمومی در گزارشات مالی خود نرخ مؤثر مالیاتی پایین‌تری را نسبت به شرکت‌های خصوصی دارند و عموماً این شرکت‌ها بیش از شرکت‌های خصوصی به سیاست‌های جسورانه مالیاتی اقدام می‌کنند. بر اساس مبانی نظری یاد شده و پیشینه مطالعات مرتبط با موضوع می‌توان مدل مفهومی زیر را برای ارتباط میان متغیرهای پژوهش به صورت زیر در نظر گرفت:



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

با توجه مطالعات انجام شده در مبانی نظری و پیشینه‌های تجربی و جهت دستیابی به اهداف این پژوهش، فرضیه‌هایی بصورت زیر تدوین شده است:

فرضیه ۱) مالکیت نهادی با سیاست‌های جسورانه مالیاتی ارتباط دارد.

فرضیه ۲) مالکیت دولتی با سیاست‌های جسورانه مالیاتی ارتباط دارد.

فرضیه ۳) مالکیت خصوصی با سیاست‌های جسورانه مالیاتی ارتباط دارد.

فرضیه ۴) ارتباط بین اجزاء ساختار مالکیت و سیاست‌های جسورانه مالیاتی در شرکت‌های با عملکرد متفاوت، تفاوت دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش را می‌توان از جنبه هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش اجرا، به عنوان یک پژوهش توصیفی-همبستگی قلمداد کرد. داده‌های مورد نیاز از طریق صورت‌های مالی حسابرسی شده، یادداشت‌های توضیحی و گزارش‌های سالانه شرکت‌های مورد مطالعه در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است که با اعمال معیارهای زیر انتخاب شده‌اند:

- شرکت‌ها باید تا سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- شرکت‌ها نبایستی سال مالی خود را در طی دوره مورد نظر تغییر داده باشند.
- جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه‌ها و بانک‌ها نباشند.
- اطلاعات مالی مورد نیاز این شرکت‌ها از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی در دسترس باشد.
- شرکت‌ها باید دارای سود مشمول مالیات باشند.

با توجه به معیارهای اعمال شده، تعداد ۱۷۰ شرکت با تعداد ۱۰۲۰ مشاهده (سال-شرکت) به عنوان جامعه مورد مطالعه استخراج گردیده است. متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش شامل سیاست جسورانه مالیاتی، مؤلفه‌های ساختار مالکیت و عملکرد شرکت‌ها هستند که به صورت زیر مورد سنجش قرار گرفته‌اند:

متغیر وابسته:

سیاست جسورانه مالیاتی (TAG): اعمال سیاست جسورانه مالیاتی مربوط به شرکت‌هایی است که دارای سود مشمول مالیات هستند و تمایل به پرداخت مالیات کمتر دارند، لذا شرکت‌هایی که فاقد سود مشمول مالیات باشند به دنبال چنین سیاستی نخواهند بود. لذا برای محاسبه این متغیر از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده می‌شود که از نسبت هزینه مالیات پرداختی بر سود مشمول مالیات به دست می‌آید (چن و همکاران (Chen et al., 2010)).

$$TAG = \frac{\text{هزینه مالیات پرداختی}}{\text{سود مشمول مالیات}}$$

رابطه (۱)

متغیرهای مستقل:

مالکیت نهادی: برابر درصد سهام در اختیار شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری است.

$$INST = \frac{\text{سهام در اختیار نهادها}}{\text{کل سهام شرکت}} \quad \text{رابطه ۲}$$

مالکیت دولتی: برابر درصد سهام در اختیار بخش‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و شبه دولتی می‌باشد.

$$POW = \frac{\text{سهام در اختیار دولت}}{\text{کل سهام شرکت}} \quad \text{رابطه ۳}$$

مالکیت خصوصی: برابر درصد سهام در اختیار اشخاص حقیقی است.

$$FOW = \frac{\text{سهام در اختیار اشخاص حقیقی}}{\text{کل سهام شرکت}} \quad \text{رابطه ۴}$$

متغیرهای کنترل:

اندازه شرکت: از طریق لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.

$$SIZE = \ln(\text{Assets}) \quad \text{رابطه ۵}$$

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام: که این نسبت از حاصل تقسیم ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام به دست می‌آید (تهرانی (Tehrani, 2005)). البته اگر این نسبت به صورت معکوس استفاده شود، نتایج آن هم باید بطور معکوس مورد تفسیر قرار گیرد.

$$P/B = \frac{\text{ارزش بازار سهام}}{\text{ارزش دفتری سهام}} \quad \text{رابطه ۶}$$

اهرم مالی: از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

$$LEV = \frac{\text{کل بدهی‌ها}}{\text{کل دارایی‌ها}} \quad \text{رابطه ۷}$$

با توجه به ساختار داده‌های پژوهش، جهت آزمون فرضیه‌های اول تا سوم پژوهش از مدل رگرسیونی چند متغیره در رابطه ۸ استفاده شده است:

$$TAG_{it} = B_0 + B_1 INST_{it} + B_2 POW_{it} + B_3 FOW_{it} + B_4 SIZE_{it} + B_5 P/B_{it} + B_6 LEV_{it} + e_{it}$$

رابطه ۸)

که در آن:

TAG_{it} : سیاست جسورانه مالیاتی شرکت i در سال t

$INST_{it}$: میزان مالکیت نهادی شرکت i در سال t

POW_{it} : میزان مالکیت دولتی شرکت i در سال t

FOW_{it} : میزان مالکیت خصوصی شرکت i در سال t

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت i در سال t

P/B_{it} : ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت i در پایان سال t

LEV_{it} : اهرم مالی شرکت i در سال t

e_{it} : مقدار باقیمانده‌های مدل

متغیر عملکرد

برای محاسبه عملکرد از متغیر ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده استفاده شده که برابر با تقاضای سود خالص عملیاتی شرکت از میانگین موزون هزینه سرمایه بکار رفته به ارزش بازار پایان سال برای کسب آن سود است (باسیدور و همکاران (Bacidore, Boquist, Milbourn & Thakor, 1997).

$$REVA = NOPAT - K_w (M_{capital}) \quad \text{رابطه ۹}$$

که در آن:

NOPAT: سود خالص پس از مالیات

$M_{capital}$: ارزش بازاری حقوق صاحبان سهام در آخر سال

K_w : میانگین هزینه سرمایه شرکت که با استفاده از رابطه ۱۰ محاسبه شده است:

$$K_w = K_D \left(\frac{D}{D+E} \right) + K_E \left(\frac{E}{D+E} \right) \quad \text{رابطه ۱۰}$$

K_D : هزینه بدهی‌ها (نرخ بهره وام پس از مالیات)

K_E : هزینه حقوق صاحبان سهام

D : میزان بدهی‌های شرکت

E : میزان حقوق صاحبان سهام شرکت

برای آزمون فرضیه چهارم که ارتباط مؤلفه‌های ساختار مالکیت و سیاست جسورانه مالیاتی را در شرکت‌های با عملکرد متفاوت مورد آزمون قرار می‌دهد، ابتدا بر اساس معیار عملکرد شرکت‌ها را مرتب کرده و سپس ۴۰ درصد پایین‌ترین مقدار این معیار را به‌عنوان شرکت‌های با عملکرد ضعیف یا گروه اول و سپس ۴۰ درصد بالاترین مقدار این معیار را به‌عنوان شرکت‌های با عملکرد قوی یا گروه دوم دسته‌بندی کرده و مدل رگرسیونی فوق مجدداً برای این دو گروه جداگانه برازش شده است. یعنی برازش مدل در دو سطح عملکرد ضعیف و قوی انجام شده و سپس جهت بررسی معناداری تفاوت بین این دو گروه از شرکت‌ها، معناداری این مدل‌ها با یکدیگر مقایسه شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش بدلیل ساختار پنبلی داده‌ها، جهت آزمون فرضیه‌ها از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews8 استفاده شده که نتایج آن در ادامه آمده است. جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌گردد متغیرها برای ۱۰۲۰ مشاهده (سال- شرکت) مورد بررسی قرار گرفته بطوری که متغیر سیاست‌های جسورانه مالیاتی به‌عنوان متغیر وابسته میانگین ۰/۱۱۷ و انحراف معیار ۰/۱۰۱ را داشته است. آماره‌های توصیفی سایر متغیرهای پژوهش نیز در جدول ارائه گردیده است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	مشاهدات	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
TAG	۱۰۲۰	-/۱۱۷	۱/۷۴۰	۰/۰۰۰	۰/۱۰۱
INST	۱۰۲۰	-/۳۳۳	-/۹۹۰	۰/۰۰۰	۰/۳۲۴
POW	۱۰۲۰	-/۰۹۶	-/۹۹۵	۰/۰۰۰	۰/۲۱۴
FOW	۱۰۲۰	-/۲۸۴	۱	۰/۰۰۰	۰/۲۷۶
SIZE	۱۰۲۰	۱۳/۶۱۹	۱۸/۸۲۰	۱۰/۰۹۰	۱/۴۱۹
LEV	۱۰۲۰	-/۶۰۱	۲/۰۸۰	۰/۰۲۰	۰/۳۱۱
P/B	۱۰۲۰	۲/۰۵۶	۲۵/۴۵۰	-۱۴/۷۳۰	۲/۳۰۳
REVA	۱۰۲۰	۲۳۸۰۰	۸۲۰۰۰۰۰	-۱۶۳۰۰۰۰۰	۱۰۱۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برای بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق ابتدا می‌بایست مدل پژوهش برای کل شرکت‌های

مورد بررسی برآزش شده و سپس این برآزش مدل مجدداً برای دو دسته شرکت‌های با عملکرد ضعیف و قوی انجام شود. پیش از برآزش مدل فوق، باید مدل مناسب برآزش مشخص شود. در این زمینه با استفاده از آزمون F لیمر یا آزمون چاو به بررسی مناسبت مدل آزمون به صورت داده‌های تلفیقی و داده‌های پنلی پرداخته شده است. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که برای روش برآورد مدل تحقیق در هر سه سطح روش پنلی مناسب است.

جدول ۲- نتایج آزمون F لیمر

سطح	متغیر وابسته در مدل	آماره F	درجات آزادی	P-value	مدل مناسب
۱	TAG (کل شرکت‌ها)	۵/۹۹۶	۱۶۹-۱۰۱۴	۰/۰۰۰	مدل پنلی
۲	TAG (شرکت‌های ضعیف)	۱/۷۱۲	۶۷-۴۰۲	۰/۰۰۱	مدل پنلی
۳	TAG (شرکت‌های قوی)	۳/۱۹۷	۶۷-۴۰۲	۰/۰۰۰	مدل پنلی

مآخذ: یافته‌های پژوهش

پس از تشخیص مناسب بودن مدل پنلی جهت برآورد مدل، برای انتخاب از بین روش‌های با الگوی اثرات ثابت و اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن بهره گرفته شد. نتایج این آزمون در جدول ۳ نشان می‌دهد که برای آزمون مدل پژوهش در سطح کل شرکت‌های مورد بررسی و نیز شرکت‌های با عملکرد ضعیف چون مقدار p-value کوچک‌تر از سطح خطای ۰/۰۵ است، روش برآورد با الگوی اثرات ثابت مناسب است، در حالی که برای آزمون مدل در سطح شرکت‌های با عملکرد قوی p-value بزرگ‌تر از ۰/۰۵ شده بنابراین نشان می‌دهد که روش برآورد با اثرات تصادفی مناسبت بیشتری دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون هاسمن

سطح	متغیر وابسته در مدل	آماره χ^2	درجات آزادی	P-Value	مدل مناسب
۱	TAG (در کل شرکت‌ها)	۱۹/۶۸۵	۶	۰/۰۰۶	اثرات ثابت
۲	TAG (در شرکت‌های ضعیف)	۱۳/۷۵۱	۶	۰/۰۳۳	اثرات ثابت
۳	TAG (در شرکت‌های قوی)	۸/۳۵۱	۶	۰/۲۱۴	اثرات تصادفی

مآخذ: یافته‌های پژوهش

برازش مدل آزمون فرضیه‌ها برای کل شرکت‌های مورد بررسی:

نتایج آزمون مدل پژوهش برای کل شرکت‌های مورد بررسی در جدول ۴ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار آماره F برابر $۲۸/۷۲۳$ است و p -value متناظر با این آماره برابر $۰/۰۰۰$ است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود؛ رگرسیون برازش داده شده به روش رگرسیون کمترین مربعات پنلی با اثرات ثابت برای مدل تحقیق در سطح اول، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به اینکه p -value ضریب برآورد شده مربوط به متغیر مالکیت نهادی برابر $۰/۰۱۶$ است، بنابراین می‌توان اظهار داشت در کل شرکت‌های مورد بررسی مالکیت نهادی با سیاست جسورانه مالیاتی رابطه معنی‌داری دارد. از این رو فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین از آنجا که آماره t متناظر با متغیر مالکیت دولتی برابر $۲/۱۹۴$ - و همچنین p -value مربوط به آن برابر $۰/۰۲۸$ است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان اظهار داشت؛ مالکیت دولتی نیز با سیاست جسورانه مالیاتی رابطه معنی‌داری دارد و از این رو فرضیه دوم پژوهش هم مورد تأیید قرار می‌گیرد. پارامتر برآورد شده $۰/۰۲۷$ - نشان می‌دهد که با افزایش هر واحد مالکیت دولتی در شرکت میزان اعمال سیاست‌های جسورانه مالیاتی $۰/۰۲۷$ واحد کاهش می‌یابد. اما با توجه به p -value محاسبه شده برای پارامتر متغیر مالکیت خصوصی که برابر $۰/۲۳۷$ و بیش از سطح خطای $۰/۰۵$ است، بنابراین نمی‌توان معناداری رابطه بین متغیر مالکیت خصوصی با سیاست جسورانه مالیاتی را پذیرفت در نتیجه فرضیه سوم پژوهش در سطح کل شرکت‌های مورد مطالعه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

برازش مدل پژوهش در شرکت‌های با عملکرد ضعیف:

در این بخش جهت مقایسه ارتباط بین اجزای ساختار مالکیت و سیاست‌های جسورانه مالیاتی میان شرکت‌های با عملکرد متفاوت، ابتدا برازش مدل پژوهش برای شرکت‌های ضعیف مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این آزمون در جدول ۵ آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، با توجه به نتایج آزمون‌های تشخیص مدل، می‌بایست مدل تحقیق به صورت رگرسیون کمترین مربعات پنلی با اثرات ثابت برازش یابد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که مقدار آماره F برابر $۲۵/۸۱۶$ است و p -value متناظر با این آماره برابر $۰/۰۰۰$ است، به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود؛ رگرسیون برازش داده شده به روش رگرسیون کمترین مربعات پنلی با

اثرات ثابت بر شرکت‌های با عملکرد ضعیف نیز معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۴- نتایج برازش مدل پژوهش برای کل شرکت‌های مورد بررسی

متغیر وابسته: سیاست جسورانه مالیاتی				
روش برازش مدل: رگرسیون کمترین مربعات پنلی با اثرات ثابت				
P-Value	آماره t	انحراف استاندارد	برآورد پارامتر	متغیر
۰/۰۰۰	۵/۱۹۷	۰/۰۴۷	۰/۲۴۳	ثابت رگرسیون
۰/۰۱۶	-۲/۲۲	۰/۰۰۹	-۰/۰۰۲	مالکیت نهادی
۰/۰۲۸	-۲/۱۹۴	۰/۰۱۲	-۰/۰۲۷	مالکیت دولتی
۰/۲۳۷	-۱/۱۸۳	۰/۰۱۱	-۰/۰۱۳	مالکیت خصوصی
۰/۰۴۹	-۱/۹۷۲	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۶	اندازه شرکت
۰/۰۱۴	-۲/۴۶۷	۰/۰۱۳	-۰/۰۳۴	اهرم مالی
۰/۱۰۵	۱/۶۲۵	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۶۶				ضریب تعیین مدل (R^2)
۱/۹۶				آماره دوین - واتسون
۲۸/۷۲۳				مقدار آماره F
۰/۰۰۰				P-Value

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۵- نتایج برازش مدل پژوهش در شرکت‌های با عملکرد ضعیف

متغیر وابسته: سیاست جسورانه مالیاتی				
روش برازش مدل: رگرسیون کمترین مربعات پنلی با اثرات ثابت				
P-Value	آماره t	انحراف استاندارد	برآورد پارامتر	متغیر
۰/۰۰۲	۳/۲۰۶	۰/۰۴۷	۰/۱۵۰	ثابت رگرسیون
۰/۸۲۵	۰/۲۲۱	۰/۰۱۵	۰/۰۰۳	مالکیت نهادی
۰/۰۰۰	-۳/۸۷	۰/۰۱۹	-۰/۰۷۲	مالکیت دولتی
۰/۶۹۵	-۰/۳۹۲	۰/۰۱۸	-۰/۰۰۷	مالکیت خصوصی
۰/۷۸۲	-۰/۳۷۷	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۰۸	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	-۰/۸۲۶	۰/۰۱۹	-۰/۰۷۶	اهرم مالی
۰/۰۱۷	۲/۴۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۳۱				ضریب تعیین مدل (R^2)
۲/۰۶				آماره دوین - واتسون
۲۵/۸۱۶				مقدار آماره F
۰/۰۰۰				P-Value

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برازش مدل پژوهش در شرکت‌های با عملکرد قوی:

در این قسمت مدل پژوهش برای شرکت‌های قوی نیز رابطه میان اجزای ساختار مالکیت با سیاست جسورانه مالیاتی را بررسی کرده و نتایج آن در جدول ۶ نشان داده شده است. در اینجا نیز همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، با توجه به نتایج آزمون‌های مقدماتی می‌بایست این مدل نیز به صورت رگرسیون کمترین مربعات پنلی با اثرات تصادفی برازش یابد.

نتایج این جدول نشان دهنده آن است که مقدار آماره F برابر ۶۸/۲۸۳ است و p-value متناظر با این آماره برابر ۰/۰۰۰ است که دارای مقدار کمتری از خطای ۰/۰۵ می‌باشد، به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود؛ رگرسیون برازش داده شده به روش رگرسیون کمترین مربعات پنلی با اثرات تصادفی برای شرکت‌های با عملکرد قوی نیز معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۶- نتایج برازش مدل پژوهش در شرکت‌های با عملکرد قوی

متغیر وابسته: سیاست جسورانه مالیاتی				
روش برازش مدل: رگرسیون کمترین مربعات پنلی با اثرات تصادفی				
P-Value	آماره t	انحراف استاندارد	برآورد پارامتر	متغیر
۰/۰۰۰	۸/۰۰۴	۰/۰۳۷	۰/۲۹۸	ثابت رگرسیون
۰/۰۰۱	-۳/۲۲۱	۰/۰۱۱	-۰/۰۳۷	مالکیت نهادی
۰/۰۰۹	-۲/۶۳۱	۰/۰۱۲	-۰/۰۳۴	مالکیت دولتی
۰/۰۲۹	-۲/۱۹۵	۰/۰۱۱	۰/۰۲۴	مالکیت خصوصی
۰/۰۰۰	-۶/۲۳۱	۰/۰۰۲	-۰/۰۱۵	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۹/۱۴۱	۰/۰۱۴	۰/۱۳۱	اهرم مالی
۰/۰۰۰	۴/۱۴۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
	۰/۵۴			ضریب تعیین مدل (R^2)
	۱/۹۰			آماره دو بین - واتسون
	۶۸/۲۸۳			مقدار آماره F
	۰/۰۰۰			P-Value

مأخذ: یافته‌های پژوهشی

آزمون فرضیه چهارم و بررسی نقش عملکرد:

برای آزمون فرضیه چهارم پژوهش و بررسی ارتباط بین اجزای ساختار مالکیت با سیاست‌های جسورانه مالیاتی در شرکت‌های با عملکرد متفاوت، از آزمون Z و وونگ بهره گرفته شده است. در

این آزمون در واقع قدرت تبیین‌کنندگی متغیرهای توضیحی مدل برای متغیر وابسته سیاست جسورانه مالیاتی بین دو گروه شرکت‌های با عملکرد متفاوت مقایسه شده و چنانچه قدرت تبیین مدل در این دو گروه شرکت‌ها با یکدیگر تفاوت معنی‌داری داشته باشند، می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد شرکت‌ها بر رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته اثر گذار است (فروغی و مظاهری Foroughi & mazaheri, 2009). در حقیقت میزان قابلیت تبیین‌کنندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل در دو سطح مدل پژوهش با یکدیگر مقایسه می‌گردد.

نتایج این آزمون در جدول ۷ نشان داده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده مشاهده می‌گردد که مقدار p-value این آزمون کمتر از خطای ۰/۰۵ است، لذا می‌توان گفت که رابطه ساختار مالکیت و سیاست جسورانه مالیاتی به صورت معنی‌داری میان دو گروه شرکت‌های با عملکرد ضعیف و شرکت‌های با عملکرد قوی متفاوت است. به عبارت دیگر نقش تعدیل‌گری عملکرد شرکت‌ها در رابطه میان ساختار مالکیت و سیاست‌های جسورانه مالیاتی معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۷- نتایج آزمون Z وونگ

نتیجه	معنی‌داری	آماره Z وونگ	R ² شرکت‌ها با عملکرد قوی	R ² شرکت‌ها با عملکرد ضعیف
وجود اختلاف معنی‌دار	۰/۰۳۳	۳/۱۴۰	۰/۵۴	۰/۳۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش مساله مورد بحث رواج تصمیمات جسورانه مالیاتی از سوی مدیران برخی شرکت‌ها و مشکلاتی بود که اعمال این سیاست‌ها برای سهامداران و جامعه بوجود می‌آورد. سهامداران بدلیل اعمال سیاست‌های جسورانه مدیران ناچارند هزینه‌های نمایندگی آن را تحمل کنند و جامعه نیز از بخشی از درآمدهای مالیاتی خود محروم می‌گردد. از آنجا که تصمیمات مدیران شرکت‌ها متأثر از سازوکارهای راهبری و همچنین ساختار مالکیت آنهاست، در این پژوهش ارتباط ساختار مالکیت و سیاست‌های جسورانه مالیاتی از طریق آزمون سه فرضیه اول پژوهش در مورد رابطه مؤلفه‌های ساختار مالکیت یعنی مالکیت نهادی، دولتی و خصوصی با سیاست‌های مالیاتی مورد بررسی قرار گرفت. همانطور که نتایج نشان داد در هر سه گروه (کل

شرکت‌ها، شرکت‌های با عملکرد قوی و شرکت‌های با عملکرد ضعیف) بین مالکیت دولتی با سیاست جسورانه مالیاتی شرکت‌ها رابطه منفی معناداری وجود دارد، و این بدان معنی است که شرکت‌هایی که درصد بیشتری از سهام آنها در اختیار شرکت‌ها و مؤسسات دولتی است و لاجرم توسط بخش دولتی کنترل می‌شوند، تمایل کمتری به اعمال سیاست‌های جسورانه مالیاتی از خود نشان می‌دهند. این نتیجه با پژوهش اسعدی، تهرانی و خسثو (Asadi, Tehrani & Khastoo, 2013) و مارتینز و رامالهو (Martinez & Ramalho, 2014) سازگاری دارد. ارتباط بین مالکیت نهادی نیز با سیاست‌های جسورانه مالیاتی به جز در مورد شرکت‌های با عملکرد ضعیف، منفی و معنادار مشاهده می‌شود و بدان معنی است که با افزایش درصد مالکیت نهادی در شرکت‌ها تمایل به اعمال سیاست‌های جسورانه مالیاتی همچون شرکت‌های دولتی کاهش می‌یابد. این نتیجه نیز با پژوهش نمازی و کرمانی (Namazi & Kermani, 2008)، خورانا و ویلیام (Khurana & William, 2012) و مارتینز و رامالهو (Martinez & Ramalho, 2014) همخوانی دارد. بنابراین این نتایج از تأیید دو فرضیه اول پژوهش حکایت دارد. درحالی که نتایج بدست آمده ارتباط مالکیت خصوصی با سیاست‌های جسورانه مالیاتی را صرفاً در مورد شرکت‌های با عملکرد قوی مثبت و معنادار نشان می‌دهد. این نتیجه حاکی از آن است که شرکت‌های با درصد بالاتری از مالکیت خصوصی هنگامی که عملکرد بهتری دارند بیشتر تمایل به اعمال سیاست‌های جسورانه مالیاتی از خود نشان می‌دهند، اما در صورت عملکرد ضعیف این تمایل در آنها مشاهده نمی‌شود. این نتیجه را نیز می‌توان با پژوهش پیرک (Pierk, 2016) تا حدی سازگار دانست در حالی با پژوهش چن و همکاران (Chen et al., 2010) ناسازگار است. بنابر این این نتیجه حاکی از عدم تأیید فرضیه سوم پژوهش است. نتیجه آزمون فرضیه چهارم پژوهش نیز نشان داد که ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده به‌عنوان شاخص ارزیابی عملکرد، می‌تواند به شکل معناداری ارتباط بین ساختار مالکیت و سیاست‌های جسورانه مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهد. بدین مفهوم که رابطه ساختار مالکیت و سیاست‌های جسورانه مالیاتی با در نظر گرفتن عملکرد شرکت‌ها می‌تواند بصورت معناداری متفاوت باشد. در واقع ساختار مالکیت با توجه به وضعیت عملکرد شرکت‌ها می‌تواند اثرات متفاوتی بر سیاست‌های مالیاتی آنها اعمال کند. این نتیجه با پژوهش نمازی و کرمانی (Namazi & Kermani, 2008) و اسعدی (Asadi, 2016) تا حدی سازگاری دارد. به عبارت دیگر اثر ساختار مالکیت بر سیاست‌های مالیاتی در شرکت‌ها با عملکرد قوی متفاوت از

شرکت‌های با عملکرد ضعیف است و هنگامی که عملکرد شرکت‌ها تقویت می‌شود ساختار مالکیتی آنها بیشتر بر اعمال سیاست‌های جسورانه مالیاتی تأثیر می‌گذارد درحالی‌که در مورد شرکت‌های با عملکرد ضعیف ساختار مالکیت تأثیر چندانی بر سیاست‌های مالیاتی آنها ندارد. با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان به سیاست‌گذاران مالیاتی پیشنهاد کرد که شرکت‌های با مالکیت خصوصی بویژه شرکت‌های با عملکرد قوی‌تر را جهت نظارت بر وضعیت مالیاتی بیشتر مورد توجه قرار دهند. همچنین به تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران نیز پیشنهاد می‌شود که جهت شناخت سیاست‌های مالیاتی شرکت‌ها به وضعیت عملکردی آنها توجه ویژه‌ای داشته باشند. همچنین بر اساس نتایج بدست آمده به محققان دیگر می‌توان پیشنهادهای زیر را برای پژوهش‌های آتی ارائه کرد:

بررسی مالکیت دولتی و نهادی با سیاست‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی شرکت‌ها
 بررسی معیارهای عملکردی حسابداری و بازار شرکت‌ها با سیاست‌های جسورانه مالیاتی
 بررسی وضعیت نقدشوندگی سهام شرکت‌ها با سیاست‌های جسورانه مالیاتی

References

- [1] Aghayi, M. A., Anvari rostami, A. A., Sari, M. and Salmani, Y. (2015). Investigation of relationship between corporate governance attributes and corporate tax planning. *Journal of financial management strategy*, 3 (2), 1-21. (In Persian)
- [2] Asadi, A. (2016). Corporate governance and performance of holding companies and subsidiaries in Tehran Stock Exchange. *Journal of financial management strategy*, 4 (15), 129- 151. (In Persian)
- [3] Asadi, A. Tehrani, R. and Khastoo, S. (2013). The effect of board structure on tax aggressive policies of listed companies in Thehran Stock Exchange. 11th conference of Iranian Accounting, Ferdowsi University, Mashhad. (In Persian)
- [4] Babajani, J. and Abdi, M. (2010). Relation of corporate governance and enterprises taxable profit. *Journal of financial accounting researches*, 2 (3), 65-86. (In Persian)
- [5] Bacidore, J. M., Boquist, J.A., Milbourn, T. T., and Thakor, A.V. (1997). The search for the best financial performance measure. *Financial analysts' journal*, 55(3), May/June, 10 - 20.
- [6] Chen. S., Chen, X., Cheng, Q., and Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms?, *Journal of financial economics*, No 95, 41-61.
- [7] Desai, M.A., and Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-

- powered incentives. *Journal of financial economics*, 79, 145-179.
- [8] Dyreng, S.D., Hanlon, M., and Maydew, E.L. (2007). Long-run corporate tax avoidance. *The accounting review*, vol. 83(1), 61-82.
- [9] Foroughi, D. and Mazaheri, E. (2009). The ability of earning and operational cash flow in explanation of shares intrinsic value in Tehran Stock Exchange. *Journal of financial accounting*, vol. 1 & 2 (1), 1-16. (In Persian)
- [10] Friese, A., Link, S., and Mayer, S. (2006). *Taxation and Corporate Governance*. Springer Berlin Heidelberg, Berlin: Germany.
- [11] Hassase yeganeh, Y. (2006). Corporate governance in Iran. *Journal of Auditing*, 32, 15-31. (In Persian)
- [12] Hassase yeganeh, Y. and Pooryanasab, A. (2005). The role of institutional investors in governance of corporations. *Journal of accounting*, 165, 15-28. (In Persian)
- [13] Jensen, M.C. (1986). Agency costs of the free cash flow, corporate finance and takeovers. *American economic review*, vol. 76, 9-323.
- [14] Khurana, L.K., and William, J.M. (2012). Institutional shareholders investment horizons and corporate tax avoidance. *Journal of American taxation association*, 3(1), 34-48.
- [15] Lanis, R., and Richardson, G. (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. *Journal of accounting and Public Policy*, 30(1), 50-70.
- [16] Martinez, A.L. and Ramalho, G.C. (2014). Family Firms and Tax Aggressiveness in Brazil. *International business research*, Vol 7, No 3, 129-136.
- [17] Minnick, K., and Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management?, *Journal of corporate finance*, Vol. 16, 703-718.
- [18] Namazi, M. and Kermani, E. (2008). Effect of ownership structure on performance of listed firms in Tehran Stock Exchange. *Quarterly journal of accounting and auditing*, 15 (53), 83-100. (In Persian)
- [19] Noor, R. M., Fadzillah, N. S., and Mastuki N. A. (2010). Corporate tax planning: A study on corporate effective tax rates of Malaysian Listed Companies. *International journal of trade, economics and finance*, 1(2), 170-193.
- [20] Pierk, J. (2016). Are private firms really more tax aggressive than public firms?, WU International taxation research paper series, No 2, Vienna university of economics and business.
- [21] Rahimian, N. Rezaei, F. and Mirabdollahi, F. (2013). Relationship between ownership structure and financial performance of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of financial management strategy*, 1 (3), 65- 88. (In Persian)
- [22] Ranema roodposhty, F. and Soroushyar, A. (2013). Comparative assessment of the ability of economic and accounting performance measures in explaining

- value of listed firms in Tehran Stock Exchange. Quarterly journal of financial research, 15 (1), 29-50. (In Persian)
- [23] Resaian, A. and Akbari, M. (2013). Investigation of the relationship between tax evasion, transparency and value in listed companies in Tehran Stock Exchange. Journal of monetary and banking research, 6 (16), 159-179. (In Persian)
- [24] Tehrani, R. (2005). Financial Management, Tehran: Negahe Danesh publication. (In Persian)
- [25] Zanjani, V. and Dehghani, A. (2007). Public finance and government financial policy, Tehran: Termeh publication. (In Persian)

